

گزارش کوتاه

شرق اصفهان آلوده است

صنایع آلاینده

دست از سر اصفهان بر می‌دارند؟

سمیه آخشی / اصفهان

■ کشاورزی شرق اصفهان که نابود شد حالا اگر کارگاه‌ایش را هم تعطیل کنند ما جواب زن و بچه‌مان را چه بدهیم؟

حالا دیگر یک ماهی از تجمع کارگران صنایع شن‌وماسه شرق اصفهان در مقابل اداره کار این شهر می‌گذرد. علت اعتراض تعطیلی کارگاه‌های شن‌وماسه در منطقه شرق اصفهان بود که به دلیل ایجاد آلودگی برای شهر و بی‌توجهی به هشدارهای مسئولان موفق به تمدید مجوز خود نشدند. این کارگران اعتراض دارند که اشتغال در منطقه شرق تنها از راه کشاورزی و کار در واحدهای شن‌وماسه امکان‌پذیر است. حالا که با خشکسالی در این منطقه، کشاورزی از رونق افتاده، امیدشان به کار در واحدهای تولیدی شن‌وماسه است. به گفته آقای پروانه یکی از کارگران فعال در این معادن تمامی هزار نفری که در واحدهای تولید شن‌وماسه کار می‌کنند از ۱۸ تا ۶۰ ساله هر کدام نان‌آور یک خانواده هستند حالا چطور می‌شود که بی‌توجه به جمعیت سه هزار نفری که در این منطقه و از این راه درآمد دارند، واحدهای تولیدی شن‌وماسه را تعطیل کرد؟

تولید آلودگی در چند قدمی شهر

شرق و شمال‌شرق اصفهان، مناطقی هستند که به علت موقعیت خاص طبیعی انبوهی از کارگاه‌ها و معادن شن‌وماسه و گچ و آجرپزی را در خود گرد آورده و آنقدر این صنایع در سال‌های گذشته بدون اعمال نظارت زیاد شده که حالا می‌توان کلکسیونی از آنها را در منطقه مشاهده کرد. حالا هم ۷۰درصد آجر کشور در این منطقه تولید و همه آلودگی ناشی از آن به سمت شهر اصفهان هدایت می‌شود. البته واضح است که وقتی ۲۵۰ کارگاه آجرپزی، ۳۰ کارگاه شن‌وماسه و ۶۰ کارگاه گچ‌پزی در این مناطق جمع شود که بیش‌ترشان هم با روش‌های سنتی تولید داشته باشند نتیجه آن ایجاد چه آلودگی عظیمی است. همه اینها در حالی است که وقتی قانون تعیین کرده صنایع آلاینده باید در فاصله بیشتر از ۵۰ کیلومتری شهرها باشند فاصله این صنایع با شهر اصفهان ۱۵ کیلومتر است!

دود آلودگی به چشم مردم می‌رود

این سال‌ها بین مردم اصفهان باور به اینکه بیماری‌های ریوی و در مواردی سرطان‌های ریه بیشتر شده کاملا مشاهده می‌شود. بسیاری از مردم معتقدند همه این مسایل ناشی از آلودگی هوا است. ترافیک، صنایع و حتی سوخت بنزین به اعتقاد مردم منابع ایجاد آلودگی هستند. در مطب متخصص ریه خانی که مشکل تنفسی پیدا کرده گلابمست است که در اقوام و خانواده‌اش این مشکل را نداشته‌اند و حتما به علت این آلودگی‌ها دچار مشکل شده است. وی از اینکه در آینده سرطان ریه یا حتی اس‌ام‌اس هم بگیرد مضطرب است چرا که به گفته خودش تنها دلیلی که اصفهان پایتخت‌ام‌اس شده یا سرطان‌های ریوی و مشکلات تنفسی شایع شده دود ناشی از صنایع است که به ریه مردم می‌رود.

کارگران و صاحبان صنایع

حاضر به رفتن نیستند

حالا مسئولان بعد از سه سال اخطار بی‌دریی به‌صاحبان این صنایع برای انتقال کارگاه‌هایشان به‌نقطه‌ای دیگر از اردبیهشت اسمال قانون را با جدیت بیشتری اعمال کردند و مجوز فعالیت این کارگاه‌ها را تمدید نکردند. نتیجه این شده که با گذشت هشت ماه فعالیت بدون مجوز و با امتناع مسئولان از انجام این کار، کارگاه‌هایشان تعطیل شده است. کارگران این صنایع هم به علت بیکار شدن در مقابل اداره کار تجمع و تهدید کرده‌اند که تجمع را به استانداری هم بکشانند. در میان صد نفر کارگر به نمایندگی از هزار کارگر واحدهای شن‌وماسه منطقه شرق اصفهان در مقابل اداره کار و امور اجتماعی تجمع کردند. یکی از آنان که از امنیت شغلی خود نگران است می‌گوید: به کارفرمایان گفته شده واحدهای تولیدی شن‌وماسه باید جابه‌جا شوند ولی وقتی جابه‌جایی معادن حداقل پنج سال زمان می‌برد و بنا این انتقال، کارگران، رانندگان، بیمانکاران و سایر افراد هم بیکار می‌شوند چطور می‌توان نگران نبود؟

مسئولان این بار دیگر کوتاه نمی‌آیند

از سوی دیگر مسئولان استانداری در این‌باره معتقدند حالا سه سال است که قرار شده این صنایع از شرق اصفهان به مکانی دیگر منتقل شوند و تاکنون هم مهلت لازم داده شده است و دیگر بیش از این نمی‌توان در این‌باره تعلل کرد. البته مساله اینجاست که جابه‌جایی معادن شن‌وماسه کار ساده‌ای نیست و مشکل بیکاری را به دنبال دارد.

جمال‌الدین صمصام‌شریعت معاون عمرانی استانداری اصفهان که به عنوان متولی پیگیری این طرح در شورای برنامه‌ریزی شناخته می‌شود معتقد است با وضعیت آلودگی کنونی هوای اصفهان و توجه به اینکه ۳۵درصد این آلودگی به علت وجود این گونه صنایع است دیگر نمی‌توان در این‌باره کوتاه آمد. به گفته وی این کارگاه‌ها بیش از ۳۰ سال گذشته به شکلی غیر کارشناسی در فاصله اندک از شهر اصفهان ایجاد شده‌اند و تا سال ۷۰قانونی برای نظارت بر ایجاد آنها وجود نداشت. صمصام‌شریعت می‌افزاید: سال ۷۰ با ایلان قانون جدید محیط زیست تنها به برخی از این صنایع با شرایط خاصی مجوز داده می‌شد و از چهار سال گذشته تاکنون دیگر هیچ مجوزی برای گسترش چنین صنایعی صادر نشد چرا که منطقه‌شرق اصفهان هم اکنون از این جهت اشباع شده است.

وقتی ذهن‌ها به کار بافتن می‌پردازند، دست‌ها دست به گره می‌شوند و تصویرهای تارو و پودی را خلق می‌کنند. همان زمان که فرش ایرانی، این هنر ماندگار که اصالت زیبایی را در گره به گره خود به نقش می‌نشیند، آفریده می‌شود. فرش‌کی حریری است از ظرافت و تابلویی است از نقش و رنگ. اما روزهای بافندگان این آثار مانند کرک و ابریشم جان آثارشان، نرم و زیبا نیست. تعداد بافندگان اصفهانی کم شده است، با وجود آنکه این هنر – صنعت سال‌هاست که به صورت یک رشته دانشگاهی مخاطبان خود را به دست آورده اما آنچه از شواهد و واقعیت بازار این محصول در اصفهان بر می‌آید، عدم رغبت جوان‌ترها به بافندگی و از کار افتادگی قدیمی‌ترهاست. تا آنجا که تولید فرش اصفهان کم شده یا سبک اصفهان به دلیل سختی بافت، کنار گذاشته شده است. آنقدر که به نظر می‌رسد برای پیدا کردن فرش اصفهان باید آگهی داد شاید بتوان روی ماهش را دید!

از عرش به فرش رسید

۴۷۰ هزار بافنده، این آخرین آماری است که معاونت برنامه‌ریزی اصفهان در خصوص تعداد بافندگان قالی در استان اصفهان ارایه می‌کند. بر اساس همین آمار حدود ۵۰درصد بافندگان فرش در استان اصفهان به صورت تکباف در خانه‌ها کار می‌کنند و ۴۵درصد نیز زیر نظر کارفرما اتافی اجاره کرده و فرش می‌بافند.

مسئولان دولتی می‌گویند اصفهان رتبه چهارم صادرات فرش کشور را داراست و سالانه ۷۰۰ هزار مترمربع قالی در استان اصفهان تولید می‌شود اما بازار فرش اصفهان و بازاریان آن حکایت دیگری را روایت می‌کنند

رییس اتحادیه فروشندگان فرش دستباف اصفهان در این‌باره به شرق گفت: مشکلی که در حال حاضر در فرش اصفهان وجود دارد، این است که تولیدکنندگان فرش مشهد و تبریز در اصفهان دفاتری زده‌اند، برخی بافندگان هم از اینها مواد اولیه می‌گیرند و چون فرش تبریز راحت‌تر از اصفهان بافته می‌شود، فرش تبریز را به سفارش این دفاتر می‌بافند. به نوعی راحت‌فانی باب شده است و این به دلیل برخی حساسیت‌های بیجا هم هست. می‌شود کاری کرد که همان فرش اصفهان راحت‌تر بافته شود، مثلا همان گره‌ای که با دست می‌زنند را با قلاب بزنند اما تعصبا مانع می‌شود و بافنده هم صرف‌نظر می‌کند و به بافت تابلو فرش تبریز رو می‌آورد. محسن پورقدیری که سال‌هاست فروش فرش اصفهان را در مسکو دنبال می‌کند، ادامه داد: در بازار اصفهان فرش‌های نایین، اردکان، کاشان و گلیم فرش وجود دارد و مشتری هم خواهان آن است اما متأسفانه هیچ‌کدام از اینها فرش اصفهان و بافت اصفهان نیست. این به آن معناست که خریدار داخلی هم فرش اصفهان را نمی‌خرد. طبق آمار، بیشترین فرشی که در اصفهان فروخته می‌شود، فرش تبریز است. معاز‌ه‌دار هم بیشتر تابلو فرش تبریز می‌آورد، چون مشتری‌اش هست. موضوع مهم‌تر این است که اگر بخواهد فرش اصفهان بیورد، پیدا نمی‌کند! بافنده و بافت اصفهان تا این میزان کاهش یافته است. اگر همین روند ادامه داشته باشد، سال‌های آینده بازار اصفهان چیزی از فرش اصفهان نخواهد داشت. مثلا همین اواخر، سازمان بازرگانی می‌خواست بنا به بحثنام‌های که شده بود، فرش دستباف را به جای هدیه سازمانی در نظر گیرد و برای مراسمی ۵۰ قطعه هدیه دهد. اما نتوانسته بود این ۵۰ قطعه را فراهم کند، چون نبوده است!

وی اضافه کرد: فروش فرش اصفهان بسیار کم شده است و اگر این فروش را با قم و تبریز یعنی دو شهری که فرش نفیس تولید می‌کنند مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که آنها هم صادرات قوی‌تری دارند و هم فروش بیشتری. این فروش کمتر نیز دلایل مختلفی دارد. از یک سو از آنجا که دستمزد خوبی به بافندگان تعلق نمی‌گیرد، بافندگان رغبت کمتری به ادامه این شغل نشان می‌دهند و به کارهای دیگری می‌پردازند. غیر از فرش هنری و نفیس که تعداد بافندگان آن در اصفهان انگشت‌شمار است، بقیه کارهای قابل قبولی که تولید می‌شود، فروش بالایی ندارند. به‌عنوان مثال، نمونه فرشی در قم با رقمی حدود دو میلیون تومان برای هرمتر به فروش می‌رسد، همان فرش در اصفهان به سختی یک و نیم میلیون فروخته می‌شود. همین اختلاف قیمت کار فروش در اصفهان را بسیار سخت می‌کند. در عوض آنها فروش بهتری دارند، در نتیجه

هزینه بیشتری به بافنده می‌دهند و بافنده را نگه می‌دارند، فرش بهتر و بیشتری تولید می‌شود و فروش نه‌ایت قوی‌تر است و این چرخه ادامه دارد. پورقدیری می‌گوید: بافنده‌های تکباف در اصفهان زیادند. یعنی کسانی که برای خودشان کار می‌کنند و تحت نظر استادکار یا کارگاهی نیستند. این افراد آگاهی و اطلاعات خاصی در زمینه فرش ندارند، با سرمایه‌ای اندک اقدام به خرید نقشه نامرغوب و از رده‌خارج می‌کنند که نیاز بازار نیست. مواد اولیه نامرغوبی هم تهیه و کار بافت را شروع می‌کنند. نتیجه این است که فرش نامرغوبی به اسم اصفهان با قیمت بسیار پایین فروخته می‌شود که کیفیت بد آن در ذهن مشتری می‌ماند و آبروی فرش اصفهان را می‌برد. این افراد را نه می‌شود از چرخه تولید منها کرد و نه نادیده گرفت.

از اصفهان فرش قم به مسکو می‌بریم

این فروشنده فرش اظهار داشت: ما به‌عنوان اتحادیه فروشنندگان طرحی‌را ازایه کرده‌ایم که متأسفانه استقبال نشده است. خیلی‌ها بنا بر دلایلی برای دیگران قالی نمی‌بافند؛ به خصوص خانم‌ها. باید به کار تکباف‌ها جهت داد. فرش مرافه نمونه‌ای از فرش مرغوب قم است که کیفیت خوبی دارد اما با قدرت خریدهای مختلف متناسب است. به این معنا که اگر بهترین فرش قم پنج تا شش‌میلیون قیمت دارد، فرش مرافه رج پایین‌تر دارد اما سالم و از کیفیت خوبی هم برخوردار است

وی اضافه کرد: فروش فرش اصفهان بسیار کم شده است و اگر این فروش را با قم و تبریز یعنی دو شهری که فرش نفیس تولید می‌کنند مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که آنها هم صادرات قوی‌تری دارند و هم فروش بیشتری. این فروش کمتر نیز دلایل مختلفی دارد. از یک سو از آنجا که دستمزد خوبی به بافندگان تعلق نمی‌گیرد، بافندگان رغبت کمتری به ادامه این شغل نشان می‌دهند و به کارهای دیگری می‌پردازند.

غیر از فرش هنری و نفیس که تعداد بافندگان آن در اصفهان انگشت‌شمار است، بقیه کارهای قابل قبولی که تولید می‌شود، فروش بالایی ندارند. به‌عنوان مثال، نمونه فرشی در قم با رقمی حدود دو میلیون تومان برای هرمتر به فروش می‌رسد، همان فرش در اصفهان به سختی یک و نیم میلیون فروخته می‌شود. همین اختلاف قیمت کار فروش در اصفهان را بسیار سخت می‌کند. در عوض آنها فروش بهتری دارند، در نتیجه

سرزمین

۴۷۰هزار بافنده نگران هستند

فرش اصفهان در اغما

نقیسه قانیان / اصفهان



عکس: آندریس رهبر شرق

هیچ‌وجه نباید این بازار را با برگزاری نمایشگاه چند روزه خراب کرد. چون اقدام مقطعی در این زمینه فقط به بازار آسیب می‌زند. همیشه وقتی که بازار جدیدی برای ایران پیدا می‌شود، مرکز ملی فرش به اشتباه یک نمایشگاه چند روزه می‌گنارد و این بازار را از دست می‌دهد. چرا که خریدار خارجی برای دکوراسیون خود ظرف چند روز تصمیم نمی‌گیرد و بنابراین نمایشگاه کوتاه‌مدت فقط قیمت‌ها را می‌شکند.

راهی که از بازار نمی‌گذرد

در این رابطه یک تاجر ایرانی مقیم فرانسه که در زمینه فرش ایران فعالیت می‌کند، به شرق گفت: در فرانسه وقتی صحبت از فرش نفیس می‌شود، فرش اصفهان را یاد می‌کنند و این فرش برای آنان سمبل کیفیت و هنر در هر جای جهان است اما مطابق سلیقه امروز آنها نیست و همان حالت نمادین در برایشان دارد. علی‌حایری افزود: نام اصفهان با نام فرش در فرانسه مترادف است چون این محصول، هارمونی و هماهنگی زیادی با شهریت و جنبه‌های معماری تاریخی دارد و این برای اروپایی‌ها تحسین‌برانگیز است که حتی در فرش هم بحث فرهنگ و تاریخ و معماری مورد توجه قرار گرفته است اما اوضاع فرش اکنون اصفهان یک چیز است و سلیقه بازار چیز دیگر و این دو، دور راه جداگانه‌ای را طی می‌کنند. وی ادامه داد: در اروپا فرش، دخالت کاملی در دکوراسیون داخلی و نحوه چیدمان و ساخت بنا دارد ولی فرش اصفهان این خواسته را تأمین نمی‌کند. همان جنبه سنتی‌اش را دارد و شاهکار ظرافت است. هیچ‌کدام از فرش‌هایی که در بازار ایران می‌بینم، ارتباطی به بازار فعلی اروپا ندارد. حایری اضافه کرد: تلفیق این سبک با نیاز اروپا کار بسیار سختی است اما ممکن است، ضرورت اولیه‌اش هم این است که بازار اروپا را بشناسند. مساله رنگ بیشتر از طرح اهمیت دارد، رنگ هر سال عوض می‌شود و با دکوراسیون داخلی و طرح پارچه‌هایی که رنگ آمیزی آنها مطابق مد است، تناسب پیدا می‌کند. وی گفت: طبق آماری که دارم در سال ۱۹۹۰ حدود ۷۵درصد قالی مصرفی فرانسه، قالی ایرانی بود اما الان حدود پنج‌درصد است و بیشتر فرش هند، پاکستان و افغانستان خریدار دارد. ایران حادگار، عضو هیات مدیره انجمن طراحان و نقاشان فرش اصفهان هم که از طراحان صاحب سبک اصفهان است، به شرق می‌گوید: طرح‌های مورد پسند جهان، طرح‌های ساده بیرنگ و رنگ‌های خواب است، آنها نقش و نگار پیچیده را نمی‌پسندند و به همین دلیل تاجر آنجا زیاد با فرش اصفهان موافق نیستند.

و با وارد شدن به این چرخه، هم ناامنی اجتماعی و روانی افزایش می‌یابد و هم به دلیل تقاضای افراطی و غیرضروری کالا، دلار، سکه و سلامت روان کمیاب می‌شود و قابل توجه است که التهاب و ناامنی اجتماعی باعث بافراتن میزان خشونت و کاهش میزان هبستگی یا همدردی در جامعه می‌شود و دلیل بارز این مساله این است که حداقل در جامعه ما هر زمان که شنیده می‌شود کالایی نایاب یا گران می‌شود ما مردم به جای این‌که از آن کالا به اندازه نیازمان خریداری کنیم تا به دیگران هم برسد انبهارهای خود را بر می‌کنیم و متأسفانه به تأثیرات روانی و اجتماعی این جزو و مدھا در فواصل تصمیم‌گیری‌ها و دستورات دولتی و آنچه در این بی‌اعتمادی‌ها بر مردم می‌رود توجهی نمی‌شود و در ارزیابی و قیمت‌گذاری‌های مالی و ارزی به آسیب‌های روحی و روانی مردم قیمتی گذاشته نمی‌شود.

■**روانشناس اجتماعی**

چهارشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۹۰

نگاه

کتاب تاریخ واقعیت‌گرا واقعیت با تخیل؟

عیسی برتاو

■ در ابتدا باید عرض شود که انتخاب عنوان مطلب خلاقیت بنده نیست بلکه یکی از هدف‌های مسئولان آموزش‌وپرورش است که می‌خواهند پس از اعمال تغییرات در کتب تاریخ به آن دست یابند. بله! یکی از اهداف چون برنامه‌ریزی‌ای که انجام شده براساس گفته‌های رییس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی آموزش‌وپرورش می‌خواهند پس از به واقعیت پیوستن کتاب تاریخ واقعیت‌گرا، روش آموزشی حفظ محور را نیز در آموزش‌وپرورش از بین ببرند و به عبارتی یک تفکر نقاد و تحلیل‌گر را بین دانش‌آموزان رواج دهند. بله نقد و نقادی!

واژه‌های بیگانه با نظام آموزش‌وپرورش و آموزش عالی، چون ما فقط اسم این واژه‌ها را شنیده‌ایم و هیچ جایگاه کار کردی و کاربردیی در تعلیم و تربیت این دیار ندارند از اینها که بگذریم تقریبا کسی نفهمید هدف آموزش‌وپرورش از این اقدام چیست و اهدافی که خود در دلایل این اقدام مطرح کرده‌اند منطقی نیست. آنچه که عیان است آنکه با چنین اقدامی نه تنها کتاب تاریخ واقعیت‌گرا تدوین نمی‌شود بلکه واقعیت‌های تاریخی را هر آن گونه که به دلخواه ماست تغییر می‌دهیم و به عبارت بهتر واقعیت‌ها را از بین خواهیم برد. حال چگونه می‌توان با از بین بردن واقعیت‌ها، واقعیت ایجاد کرد خود سوال دیگری است، از جمله دلایلی که در خصوص این اقدام ذکر شده این است که از این طریق خواهان حذف روش حفظ محور هستیم

اگر نه در همه سطوح و دروس، حداقل در درس تاریخ می‌خواهند دانش‌آموز نقاد و تحلیل‌گر بار بیاید. باید گفت که مشکل حفظ محور و نبود تفکر نقاد در مدارس به این شکل حل نخواهد شد. اگر چه داشتن کتاب‌هایی با متن‌های چالشی و سوال‌برانگیز اقدام بسیار شایسته‌ای است ولی به دلیل فقدان چنین نگرش‌هایی و آشنا نبودن دانش‌آموزان با تکنیک‌های نقادی و اصول آن پس این اقدام هیچ‌گونه تأثیری در نقاد بار آوردن دانش‌آموزان ندارد و کتاب تاریخ تحلیلی هیچ کمکی نخواهد کرد. چگونه ممکن است آموزش‌وپرورشی که فکر و نقاد کردن در آن جایگاهی ندارد، ما بتوانیم از طریق یک درس این تحول را ایجاد کنیم. موضوع بعد اینکه در فلسفه جدید تاریخ که در کشور قرار است تعریف شود



واژه‌هایی مانند «شاهان محترم و نامحترم» ابداع شده است. تاریخ، تاریخ است. اتفاقی است که رخ داده است. بنابراین هر اقدامی که رخ داده از دست ما خارج شده و بنابراین دادن لقب و ارزش‌ها به پادشاهان کمکی نخواهد کرد. آنچه مهم است این است که چگونه از تاریخ استفاده و برداشت خواهد شد و اینکه چگونه تاریخ را بدون سوگیری ارائه دهیم. وظیفه ما این نیست که تاریخ از قبل قضاوت‌شده را به قضاوت بگذاریم بلکه با مدارک و شواهد تاریخ را بنویسیم و این مردم هستند که خود باید قضاوت کنند.

بنابراین اگر قرار است تاریخ تحلیلی تدوین شود باید بار ارزشی را از تاریخ حذف کنیم. در ضمن تاریخ تحلیلی زمانی معنا پیدا می‌کند که دانش‌آموز ما هم ذهن تحلیلی و نقاد داشته باشد وگرنه تاریخ توصیفی و تحلیلی تفاوت چندانی برایش ندارد. هیچ‌کس مخالف تدوین کتاب تاریخی و تفسیری نیست از این گذشته تحلیل و تفسیری که به خواست مکاتب فکر بند که نقادان دور همان دورالت تحلیل انجام دهیم و این مهم نیز با حذف بخشی از تاریخ مهیا نخواهد شد. این مساله نکته دیگری را مطرح می‌کند و آن اینکه «تاریخ» تا حدی به «آنچه رخ داده» وابسته است و تا حدی به «آنچه مورد علاقه ماست».

در واقع منکر این نباید شد که ساماندهی وقایع گذشته نیازمند یک دیدگاه معرفتی و تفسیری خاص است و به بیانی تاریخ بی‌طرف وجود ندارد. بنابراین باید توجه داشته باشیم که ما نمی‌توانیم با حذف بخشی از تاریخ به تاریخ تحلیلی دست پیدا کنیم و ارزش و اهمیت تاریخ را بیش از قبل جلوه دهیم. در واقع با چنین اقدامی دست به تفسیرهای ارزشی در تاریخ زدیم. از طرفی اگر ما بخواهیم در اقدامات جدید بخشی از تاریخ را حذف کنیم که این نیز مشکلی دیگر به مشکلات خواهد افزود و ما را دربارہ قضاوت کامل از تاریخ محروم می‌کند. آنچه بیشتر به ابهام کار می‌افزاید، آن است که در ابتدای مطرح شدن این مساله، مسئولان اعلام کردند که حذف سلسله شاهان واقعیت‌ناردار و کار، کار رسانه‌های بیگانه است و حال چرا این اتفاق رخ داد. اگر چه ابهامات در اهداف آموزش‌وپرورش دیده می‌شود ولی مطمئنا آینده بسیاری از ابعاد پنهان قضیه را روشن می‌کند.